

بررسی رابطه بین اظهار نظر حسابرسی و مدیریت سود واقعی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

غلامرضا سلیمانی امیری^۱

مریم رهنما^۲

در ادبیات حسابداری، مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، پژوهش های زیادی را به خود اختصاص داده است. لیکن مدیریت سود مبتنی بر فعالیت واقعی از موضوعاتی است که کمتر مورد بحث قرار گرفته است و این در حالی است که این دو مدیریت سود مکمل یکدیگر هستند.

هدف از پژوهش حاضر، بررسی اثر مدیریت سود واقعی بر نوع اظهار نظر حسابرسی می باشد. به منظور بررسی این موضوع در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۱۷۶ شرکت پذیرفته شده در بورس، طی سال های ۱۳۹۰-۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفته است. برای سنجش میزان مدیریت سود، که متغیر مستقل پژوهش حاضر می باشد، از سه متغیرهای جریان های نقدی غیر نرمال حاصل از فعالیت عملیاتی، هزینه های تولید غیر نرمال و هزینه های اختیاری غیر نرمال استفاده گردیده است و متغیر مستقل نوع گزارش حسابرسی، از نوع صفر و یک می باشد. نتایج نشان می دهد که ارتباط معناداری بین مدیریت سود واقعی و اظهار نظر حسابرسی وجود ندارد.

واژه کلیدی: مدیریت واقعی سود، اظهار نظر حسابرسی، جریان نقدی عملیاتی غیر نرمال، هزینه های اختیاری

غیرنرمال، هزینه های تولید غیرنرمال

۱- دانشیار دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا"س"، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا"س"، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

بر اساس مفاهیم گزارشگری حسابداری مالی، هدف اصلی صورت های مالی، ارائه اطلاعات تلخیص و طبقه بندی شده برای استفاده کنندگان از این صورت ها می باشد. این اطلاعات، ابزار مهمی در تصمیم گیری استفاده کنندگان است. صورت سود و زیان که یکی از صورت های مهم ارائه شده در صورت های مالی واحد تجاری است، در برگیرنده بازده حاصل از منابع در اختیار شرکت می باشد. از آنجایی که هدف از گزارشگری سود، تامین و ارائه اطلاعات مفید برای اندازه گیری کارایی مدیریت، پیش بینی آینده واحد انتفاعی، توزیع سود آتی سهام و مبنایی برای تشخیص مالیات، بررسی قیمت محصولات و اتخاذ تصمیمات اقتصادی بهینه و صحیح می باشد؛ فرآیند اندازه گیری سود و نتیجه ی آن نقش مهمی در اداره ی شرکت دارد و معمولاً کاربران صورتهای مالی اهمیت زیادی برای آن قائلند. (ولی زاده لاریجانی، ۱۳۸۷)؛ از این جهت امکان دارد مدیریت برای دستیابی به اهداف مورد نظر، اقدام به مدیریت سود نماید. مطالعات انجام شده در زمینه مدیریت سود نشان می دهد که مدیران به صورت های مختلف می توانند سود را دستکاری نمایند. مدیریت از طریق دستکاری اقلام تعهدی و همچنین از طریق دستکاری فعالیت واقعی واحد تجاری، مدیریت سود را بر اقلام اعمال می نماید. (هلی و همکاران، ۱۹۹۹، ص ۳۶۵-۳۸۳). غالباً مدیریت واقعی سود، در چارچوب استانداردهای حسابداری می باشد؛ ولی همچنان اثر جهت دار بر تصمیمات استفاده کنندگان خواهد گذاشت.

مدیریت سود واقعی، با تغییر در زمان بندی یا تغییر در ساختار فعالیت های واقعی واحد تجاری همراه است. لذا پژوهشگران در مطالعات انجام شده در زمینه مدیریت سود واقعی، به دنبال شناسایی سطوح غیرعادی فعالیت واحد تجاری هستند. (لگتی و همکاران، ۲۰۰۹)

تفکیک مالکیت از مدیریت، وظیفه مباشرت را برای مدیران پدید آورده و این تفکیک مالکیت و تضاد منافع مالک از مدیر سبب الزام نظارت بر عملکرد مدیر گردیده است. نظارت بر عملکرد مدیریت از طریق ساز و کارهای گوناگونی امکان پذیر است و اصلی ترین ابزار نظارت بر تهیه صورت های مالی، حسابرسی می باشد. وجود تضاد منافع میان سهامداران و مدیران، باعث بالا رفتن اهمیت حسابرسی صورت های مالی گردیده است. حسابرسان نقش مهمی در نظارت بر عملکرد مدیریت و محدود نمودن رفتارهای فرصت طلبانه او دارند. تا آنجایی که مجامع علمی و حرفه ای، وظیفه حسابرس را اعتباردهی و اطمینان بخشی نسبت به گزارش های مالی و در نهایت ارتقای کیفیت اطلاعات حسابداری می دانند؛ از این رو از حسابرس انتظار می رود رویه های حسابداری سوال برانگیز و تحریفات با اهمیت و در پی آن مدیریت سود را کشف نماید. پس به دنبال انجام رسیدگی، از حسابرس انتظار می رود، مدیریت سودهای اعمال

شده در حسابها، توسط وی کشف گردد و گزارش حسابرسی تعدیل گردد. از این رو نقش حسابرس در کنترل و دستکاری فعالیت واقعی و در نتیجه گزارش سود های مدیریت شده توسط مدیران، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. و تا کنون بررسی ای در مورد اثر تعدیل کننده ی مدیریت سود واقعی و اظهار نظر حسابرسی ارائه نگردیده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

با وجود اینکه هیچ گونه بازار مالی، بازار تمام کارا نمی باشد، در بازار نیمه کارا یا ناکارا عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد و این عدم تقارن اطلاعاتی موجب مسائل نمایندگی و تضاد منافع سرمایه گذاران با مدیران می گردد. در اینگونه بازار مهمترین ابزار نظارت بر عملیات مدیریت و اعتبار دهی به صورت های مالی، استفاده از خدمات حسابرسی می باشد. هدف حسابرس در حسابرسی صورت های مالی، ارائه اظهارنظری روشن و کتبی، همراه با توصیف مبانی آن اظهارنظر درباره صورت های مالی، بر بنیاد ارزیابی نتایج به دست آمده از شواهد گردآوری شده در حسابرسی می باشد. از این رو، وی باید درباره مطلوب بودن یا نبودن تهیه صورت های مالی (از تمام جنبه های با اهمیت، طبق استانداردهای حسابداری) اظهار نظر کند.

پژوهش های مختلف از این موضوع حکایت دارد که، مدیران واحدهای اقتصادی در طیف های مختلف، مدیریت سود را انجام می دهند تا بتوانند قضاوت استفاده کنندگان صورت های مالی را تحت تاثیر قرار دهند. مدیران، آن گروه از سیستم های اطلاعاتی را ارجعیت می دهند که نوسان سودهای گزارش شده را در طول زمان کاهش دهند.

مطالعات متعددی در مورد جنبه های مختلف حسابرسی و مدیریت سود انجام گردیده است و این مطالعات نشان دهنده این موضوع می باشد که نوع حسابرس و شرایط گوناگون حسابرسی، می تواند بر مدیریت سود تاثیر گذار باشد. به طور مثال، نتایج تحقیقات انجام شده در مورد شرکت هایی که حسابرسی آنها به وسیله موسسات بزرگ و با کیفیت انجام گرفته است؛ نشان می دهد که اینگونه شرکت ها مدیریت سود کمتری نسبت به شرکتهای دیگر داشته است. (چین و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۳۰-۴۹)

یافته های کیم و همکاران (۲۰۰۴) و چانگک (۲۰۰۴)، نشان می دهد که با تغییر حسابرس، مدیریت سود در صورت های مالی کاهش می یابد. (چانگک، ۲۰۰۴، ص ۵۹-۷۲). با توجه به تحقیقات فوق این پرسش مطرح می شود که آیا مدیریت واقعی سود نیز می تواند بر نوع اظهار نظر حسابرسی موثر باشد؟ آیا حسابرسان باید به اعمال مدیریت سود در واحد اقتصادی توجه داشته باشند؟ طبق استانداردهای حسابرسی، حسابرس موظف است در مورد اینکه آیا صورت های مالی از تمام جنبه های با اهمیت، طبق استاندارد حسابداری تهیه شده است، اظهار نظر کند و حسابرس با توجه به بند ۱۱ و ۱۳ استاندارد شماره ۷۰۰ باید صورت های مالی را از نبود تقلب و تحریف با اهمیت بررسی نماید.

قبل از تعریف مدیریت سود و تکنیک های مختلف آن، این موضوع حائز اهمیت است که معنای تقلب و گزارشگری مالی متقابلانه شفاف سازی شود. بیانیه استانداردهای حسابرسی شماره ۹۹ که توسط انجمن حسابداران رسمی آمریکا در نوامبر ۲۰۰۲ صادر شد، گزارشگری مالی متقابلانه را به این صورت تعریف کرد: "اظهار غلط عمدی یا حذف مقادیر افشا در صورت های مالی طراحی شده به جهت فریب استفاده کنندگان صورتهای مالی." (رحمانی، ۱۳۸۹) بیان کرد که مدیران از اختیار و آزادی عملی که به واسطه اصول پذیرفته شده حسابداری به آن ها داده شده است سوء استفاده می کنند و عمدا اطلاعات مندرج در صورت های مالی را مخدوش می نمایند. مدیریت با وجود این که ممکن است با مدیریت سود، استانداردهای حسابداری را نقض نکند، ولی همچنان میتواند منجر به ارائه اطلاعات نادرستی درباره واحد اقتصادی شود و سرمایه گذاران را نسبت به قضاوت در خصوص عملکرد شرکت فریب دهد. (رحمانی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴-۱۱۱)

تعریف مدیریت سود

در ادبیات حسابداری ارائه تعریف روشن از مدیریت سود مشکل است، زیرا مرز میان مدیریت سود و تقلب های مالی مشخص نمی باشد؛ ولی تفاوت های مفهومی آشکاری میان فعالیت های حسابداری تقلبی و قضاوت ها و برآوردهایی که در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری قرار می گیرند، وجود دارد و از آنها می توان جهت مدیریت سود سالم استفاده نمود. (نوروش و همکاران، ۱۳۸۴)

در ادبیات حسابداری سه روش برای مدیریت سود وجود دارد: حسابداری متقابلانه، مدیریت سود تعهدی و دستکاری فعالیتهای واقعی (گانی، ۲۰۰۵). حسابداری متقابلانه شامل انتخابهایی است که اصول پذیرفته شده حسابداری را نقض می کند (اسکینر و دجو، ۲۰۰۰) اما از آنجا که مشهورترین روشها برای مدیریت سود، مدیریت تعهدی سود و دستکاری فعالیتهای واقعی می باشند؛ اکثر تحقیقات به بررسی این دو پرداخته است. (ساراگی و سانجایا، ۲۰۱۲، ص ۱۲۹۱-۱۳۰۰). مدیریت سود تعهدی حالتی است که در آن مدیران واحدهای تجاری، سود را مطابق با میل خود گزارش می نمایند و نه مطابق با محتوای اقتصادی فعالیتهای واحد تجاری. (اسکات، ۲۰۰۹). برای اعمال مدیریت واقعی سود، مدیران با اتخاذ برخی تصمیمات عملیاتی و دستکاری فعالیت های واقعی به مدیریت سود، روی می آورند و سود مورد نظر خود را تحقق می بخشند. کوهن و زاوین دستکاری در فعالیت های واقعی را اعمالی می دانند که مدیران انجام می دهند و ناشی از روند عادی فعالیت های واحد تجاری است. (کوهن و زاوین، ۲۰۰۸). این تعریف مطابق تعریف ریچودهری است که مدیریت واقعی را اینگونه تعریف می کند: "اعمال مدیریتی که از فعالیت های عادی تجاری ناشی می شود، و در رابطه با هدف اولیه ی برآورد سازی سطح خاص سود انجام می گردد. (ریچودهری، ۲۰۰۶). مدیریت سود واقعی با تغییر در زمان بندی یا ساختار فعالیت های واقعی واحد تجاری همراه است. لذا پژوهشگران در مطالعات انجام شده در زمینه مدیریت سود واقعی، به دنبال شناسایی سطوح غیرعادی فعالیت های

واحد تجاری هستند. (لگتی و همکاران، 2009). شپیر (۱۹۹۸) مدیریت سود را اینگونه تعریف کرده است: دخالت عمدی در فرآیند گزارشگری مالی با هدف دستیابی به برخی منافع شخصی. مدیریت واقعی سود از طریق تغییر در فعالیت عملیاتی با هدف گمراه کردن ذی نفعان انجام می شود. (ولی زاده لاریجانی، ۱۳۸۷)

رویچودهری بیان می کند که اگر چه اینگونه انحرافات در رسیدن به اهداف گزارشگری مالی به مدیر کمک می کند، ولی ارزش شرکت را افزایش نمی دهد. روش های دستکاری فعالیت واقعی مانند کاهش قیمت فروش محصولات به منظور افزایش فروش یا کاهش مخارج اختیاری در بحران های اقتصادی، از جمله روش های بهینه هستند که می توانند به مدیران کمک کند؛ ولی اگر مدیران به صورت گسترده و غیر عادی به استفاده از روش های فوق بپردازد، در واقع آنها به مدیریت واقعی سود تمایل دارند، ولی سرمایه گذاران خبره و آگاه، مدیریت واقعی سود را محدود می کند، بنابراین اگر چه مدیران در کوتاه مدت با استفاده از مدیریت سود می توانند به سود مورد نظرشان دست یابند ولی در بلند مدت نمی توانند ارزش شرکت را افزایش دهند. (ولی زاده لاریجانی، ۱۳۸۷)

مدیران برای رسیدن به سطح مورد نظر سود، می توانند تا پایان سال صبر کنند، و از مدیریت اقلام تعهدی برای رسیدن به سود مورد نظر استفاده کنند. اما این راهکار ممکن است این ریسک را به دنبال داشته باشد مقدار سودی که برای دستکاری در نظر است؛ از اقلام تعهدی اختیاری موجود بیشتر باشد، زیرا اختیار در مورد اقلام تعهدی از طریق اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری محدود تر شده است. (باتون و سیمکو ۲۰۰۲، ص ۱۲۷)

شواهد بسیاری نشان دهنده این موضوع است که مدیریت واقعی سود با کاهش هزینه های اختیاری انجام می گیرد. برای مثال تحقیقات بوش ۱۹۹۸ و بابر همکاران ۱۹۹۱ نشان داده اگر چه کاستن از هزینه های اختیاری می تواند سود را افزایش دهد. اما ریسک کاهش جریان های نقدی عملیاتی (CFO) دوره های آتی را شامل می شود. زیرا این عمل به طور کلی، جریان خروج وجه نقد را در دوره جاری کاهش می دهد و در دوره های بعدی ممکن است باعث کاهش ورود جریان های نقدی گردد. (بابر و هاگارد، ۱۹۹۱، ص ۸۱۸-۱۲۹). توماس و زانگ شواهدی در مورد دستکاری فعالیت های واقعی از طریق اضافه تولید ارائه می دهند. به عبارت دیگر، مدیران بیش از مقدار لازم برای فروش و سطح عادی موجودی کالا، تولید می کنند و از این طریق بهای تمام شده ی کالای فروش رفته (COGS) گزارش شده را کاهش داده و در نتیجه سود گزارش شده افزایش پیدا می کند. گرچه این راه کار حاشیه ی سودآوری را بهبود می بخشد، اما شرکت متحمل هزینه هایی می گردد و سطح عادی جریان های نقدی عملیاتی شرکت را کاهش می دهد. (توماس و زانگ، ۲۰۰۸، ص ۱۶۳-۱۸۷). نتایج تحقیق رویچودهری حاکی از این است که مدیران تخفیفات قیمتی ارائه می دهند تا از این طریق میزان فروش را افزایش دهد. مدیران عموماً تخفیفات فروش را نزدیک به پایان سال مالی اجرا می نمایند تا حجم فروش را افزایش دهند. (رویچودهری، ۲۰۰۵، ص ۳۳۵-۳۷۰)

در کل، هنگامی که مدیران، سود را از طریق فعالیت های واقعی دستکاری می کنند، معمولاً شرکت را دچار آسیب و زیان می کنند. اول این که، هنگامی که مدیران، سود را در جهت برآورده ساختن اهداف سود دست کاری می کنند، بر طبق قراردادها، شرکت را ملزم می کند تا پاداش مالی بیشتری به این مدیران بدهند و در درجه دوم، زمانی که مدیران صرف دستکاری فعالیت های واقعی می کنند، اغلب همان زمان و انرژی ست که می بایست صرف فعالیت های تولیدی و سودآور کنند. نتایج تحقیق بار-گیل و بیچوک، (۲۰۰۳). همانگونه که در پژوهش هوجارج و لیبی تایید شده است مدیران ممکن است پروژه کارآمدی را با هدف حداکثرسازی سود انتخاب نکنند و پروژه هایی را انتخاب کنند که باورشان در آن است که سود کوتاه مدت را افزایش خواهد داد. (هوجارج و لیبی، ۲۰۰۵، ص ۸۰)

مروری بر پیشینه تحقیق

بهمن بنی مهد (۱۳۹۰) پژوهشی تحت عنوان بررسی عوامل تأثیرگذار، بر اظهارنظر مقبول حسابرس را انجام دادند. در این پژوهش تأثیر عواملی چون عملکرد مدیریت، تغییر مالکیت، خصوصی بودن، اندازه شرکت، حسابرسی، گزینش حسابرس و... را درمورد اظهارنظر مقبول بررسی کرده است و دریافت، کلیه متغیرهای بررسی به غیر از اندازه شرکت، رابطه مستقیم با احتمال صدور گزارش حسابرسی مقبول دارند.

ابراهیمی کردلر و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهش خود نشان دادند که بین نوع حسابرس (سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی بخش خصوصی) و مدیریت سود رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. در شرکت هایی که توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی می شوند مدیریت سود کمتری صورت می گیرد.

خسروی چرمی (۱۳۸۵)، در تحقیقی عوامل موثر بر نوع اظهار نظر حسابرس را در ایران مورد بررسی قرار داده است که نتایج تحقیق نشان می دهد ارتباطی بین اظهار نظر حسابرس و مدیریت شرکت وجود ندارد اما ارتباط میان اظهار نظر حسابرس با اندازه واحد مورد رسیدگی معنادار می باشد.

بهار مقدم وحسنی فرد (۱۳۸۹) پژوهشی مرتبط با بررسی دستکاری رویدادهای مالی و واقعی بر مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار انجام دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که رابطه معنی داری بین وجوه نقد عملیاتی و تغییرات موجودی کالا و مدیریت سود در شرکت های بوری وجود دارد.

انصاری و همکاران (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی به بررسی تأثیر دستکاری فعالیت های واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین معیارهای

دستکاری فعالیت‌های واقعی (جریان نقد عملیاتی غیرعادی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی) و مدیریت سود تعهدی ارتباط مستقیم و معنی داری وجود دارد.

سان و لن (۲۰۱۴)، تاثیرگذاری کمیته‌های حسابرسی در محدود کردن مدیریت سود واقعی و روابط میان ویژگی‌های کمیته حسابرسی و دستکاری فعالیت‌های واقعی را طی سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ در ایالات متحده مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که هیئت مدیره علاوه بر اعضای کمیته به طور مثبت با مدیریت سود واقعی در ارتباط هستند. همچنین کمیته‌های حسابرسی با مدیریت اضافی در محدودسازی مدیریت سود واقعی کمتر موثر می‌باشد.

سونگ ساو ایم (۹۰۰۱) در تحقیقی بین رابطه عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود پرداخته است. و یافته‌های او نشان می‌دهد هرچه عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر باشد مدیریت سود بیشتری صورت گرفته است.

آنتو لویو مارتینز (۲۰۱۰) در تحقیقی رابطه بین جابه‌جایی موسسات حسابرسی و مدیریت سود را مورد بررسی قرار داد؛ یافته‌های تحقیق نشان داد هیچ رابطه معناداری مدیریت سود و تغییر موسسه حسابرسی وجود ندارد.

مک وی (۲۰۰۶) نشان داد که مدیران به منظور اقدامات فرصت طلبانه مدیریت سود، هزینه‌هایی را از هزینه‌های اصلی (هزینه‌های عملیاتی و هزینه‌های فروش، عمومی و اداری) به اقلام خاصی در صورت‌حساب سود و زیان جابه‌جا می‌کنند. این‌جا به جایی عمودی تأثیری در صورت سود و زیان خالص ندارد؛ اما باعث می‌شود هسته اصلی سود بیش از واقع ارزیابی شود. جابجایی در طبقه بندی اقلام صورت‌حساب سود و زیان، هزینه نسبتاً کمی را در بردارد؛ علاوه بر این، چون تخصیص هزینه‌ها به حساب‌های خالص، به شکل ذهنی (قضاوتی) انجام می‌گیرد، حساب‌رسان کمتر قادر خواهند بود که طبقه بندی مناسب را تشخیص دهند و بعلاوه مبلغ سود خالص تغییر نمی‌یابد، حساب‌رسان وقت کمتری را در خصوص شناسایی این نوع طبقه بندی یا اصلاحات این حساب‌ها صرف می‌کنند.

بسلی و همکاران (۱۹۹۹) پی بردند که احتمال دریافت گزارش مشروط حساب‌رسان در شرکت‌هایی که سود کمتری گزارش می‌کنند، بیشتر می‌باشد.

گانی (۲۰۰۵) در پژوهشی به بررسی عواقب مدیریت سود واقعی پرداخت. نتایج پژوهش آنها به این صورت بود که فعالیت‌های مدیریت سود واقعی، تأثیر منفی در عملکرد عملیاتی آتی دارد.

روش تحقیق

از آنجا که هدف این پژوهش بررسی وجود رابطه همبستگی بین مدیریت واقعی سود و اظهارنظر حساب‌رسان می‌باشد. تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از بابت روش، توصیفی همبستگی می‌باشد. داده‌ها و

اطلاعات پژوهش از صورتهای مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مندرج در سامانه الکترونیکی اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار اقتباس شده و در نرم افزار Excel طبقه بندی و محاسبه گردیده است. آزمون فرضیه ها با استفاده از مدل رگرسیون لاجیت و با استفاده از نرم افزار Eviews 8 صورت گرفته است.

در این پژوهش از تحلیل رگرسیون با استفاده از داده های ترکیبی، برای آزمون فرضیه استفاده می شود. تحلیل رگرسیون روشی برای مطالعه سهم یک یا چند متغیر مستقل در پیشینی متغیر وابسته است به صورت کلی در این پژوهش از آزمونهای آماری زیر استفاده شده است :

آزمون لوین، لین و چو : در این آزمون به بررسی ایستایی یا پایایی متغیرهای تحقیق پرداخته شده است. پایایی متغیرها بدان معنی است که، میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سالهای مختلف ثابت بوده در نتیجه استفاده از این متغیرها در مدل، باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی شود.

آزمون هاسمر - لمشو : برای بررسی برازش مدل از روشی استفاده می شود که توسط هاسمر و لمشو پیشنهاد شده است. در این روش مقادیر پیش بینی شده توسط مدل با مقادیر واقعی، از طریق گروه بندی مقایسه می شوند. اگر اختلافها بزرگ باشند مدل رد شده و نشان دهنده این است که مدل به خوبی برازش نشده است و در غیر اینصورت مدل پذیرفته می شود.

رگرسیون لاجیت: در پژوهش حاضر متغیرهای وابسته از حالت دو ارزشی برخوردار هستند. در این پژوهش متغیر وابسته، اظهار نظر حسابرس است که در صورتی که حسابرس نسبت به صورتهای مالی نظر مطلوب داشته باشد عدد ۱ و در صورتی که نظر حسابرس نسبت به صورتهای مالی مشروط باشد عدد ۰ به خود می گیرد. در حالی که متغیرهای وابسته از حالت دو ارزشی برخوردار باشند، جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات می توان از روش رگرسیون لاجیت استفاده نمود.

جامعه آماری:

جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بین سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ بوده است که اطلاعات مالی مورد نیاز به ویژه صورت های مالی، گزارش حسابرسان مستقل و یادداشت های همراه صورت های مالی به منظور استخراج داده های مورد لزوم در دسترس باشند. در این پژوهش، برای نمونه گیری از روش حذفی (غربالگری)، استفاده شده است. بدین منظور از کل شرکت های عضو جامعه آماری که دارای ویژگی های زیر نباشند به عنوان نمونه انتخاب ، و بقیه حذف شده اند:

۱- شرکت های مورد نظر طی دوره تحقیق، فعالیت مستمر داشته و سهام آنها مورد معامله قرار گرفته باشد.

۲- شرکت ها جزو شرکت های واسطه گری مالی و بیمه ای نباشند.

۳- اطلاعات مالی شرکت در دوره مورد مطالعه در دسترس باشد.

۴- سال مالی آنها پایان اسفند ماه بوده و داده های مورد نظر در دسترس باشد.

از تعداد ۴۴۶ شرکت موجود در فهرست شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، شرکت های سرمایه گذاری، بانک ها، موسسات مالی و اعتباری، شرکت های بیمه ای به دلیل تفاوت عمده در اهداف و فعالیت ها و متفاوت بودن دارایی و بدهی و صورت سود و زیان حذف گردیده اند. شرکت های دیگر، مورد بررسی قرار گرفته و شرکت هایی که سال مالی آنها متفاوت و یا اطلاعات آنها در دسترس نبوده است حذف گردید.

فرضیه های تحقیق :

همانگونه که در قبل ذکر شده است، هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین مدیریت واقعی سود و اظهار نظر حسابرسی می باشد؛ در راستای این هدف فرضیه های پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه اول: بین سطح عادی جریانهای نقدی عملیاتی (مدیریت واقعی سود) و نوع اظهار نظر حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین سطح عادی هزینه های تولید (مدیریت واقعی سود) و نوع اظهار نظر حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین سطح عادی هزینه های اختیاری (مدیریت واقعی سود) و نوع اظهار نظر حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

در این پژوهش، مدیریت واقعی سود در شرکت های بورسی، شامل سه شاخص اصلی، جریان های نقدی غیرنرمال، هزینه های تولید غیرنرمال و هزینه های اختیاری غیر نرمال می باشد. و پس از محاسبه با نوع اظهار نظر حسابرسی، بررسی می گردد.

متغیر های پژوهش و مدل های اندازه گیری آنها

متغیر وابسته در پژوهش حاضر، نوع اظهار نظر حسابرسی می باشد؛ که در صورت صدور گزارش حسابرسی مقبول عدد ۱ (یک) و در صورت گزارش مشروط، مردود و عدم اظهار نظر عدد ۰ (صفر) اختصاص داده شده است. متغیر مستقل، مدیریت واقعی سود می باشد؛ که برای آزمون فرضیه های تحقیق، ابتدا هر کدام از عوامل غیر نرمال، که نشان دهنده مدیریت واقعی سود می باشد را با استفاده از مدل های زیر محاسبه و بعد از بررسی ایستایی متغیرهای مورد مطالعه، در مدل اصلی قرارداد داده و رابطه متغیر وابسته و مستقل بررسی می شود.

مدیریت سود به کمک مدل تعدیل شده رویچودری اندازه گیری خواهد شد که مدل توسعه یافته دچو و کودری و واتر (۱۹۹۸) می باشد؛ و سه معیار برای آن در نظر گرفته شده که شامل وجریانهای نقد عملیاتی (CFO)، هزینه های کالای تولید شده نرمال (PROD) و هزینه های اختیاری (DISC) می باشد.

در این پژوهش، مطابق با پژوهش کوهن و زاروین (۲۰۱۰)، از مدل (۱) برای برآورد جریان های نقد عملیاتی غیرعادی استفاده شده است، به نحوی که باقیمانده مدل به عنوان معیار جریان های نقد عملیاتی غیرعادی (ABCASH) در نظر گرفته شده است.

مدل (۱):

$$CFO_t/A_{t-1} = a_0 + \beta_1(1/A_{t-1}) + \beta_2(S_t/A_{t-1}) + \beta_3(\Delta S_t/A_{t-1}) + \varepsilon_t$$

که در آن:

CFO_t : جریانات نقدی حاصل از عملیات در دوره t

A_{t-1} : مجموع دارایی در پایان دوره قبل

S_t : فروش حاصل از عملیات در دوره t

ΔS_t : تفاضل فروش سال جاری از سال قبل

ε_t : باقی مانده مدل

مشابه با پژوهش کوهن و زاروین (۲۰۱۰)، هزینه تولید غیرعادی از طریق مدل های زیر که حاصل افزایش در موجودی کالا و هزینه کالای فروش رفته می باشد برآورد شده است، به نحوی که باقیمانده مدل به عنوان معیار هزینه تولید غیرعادی (ABCOST) در نظر گرفته شده است:

$$COGS_t/A_{t-1} = a_0 + \beta_1(1/A_{t-1}) + \beta_2(S_t/A_{t-1}) + \varepsilon_t \quad \text{مدل (۲):}$$

$COGS_t$: هزینه کالای فروش رفته در دوره t

برای تخمین رشد موجودی محصولات از مدل زیر استفاده می شود.

مدل (۳):

$$\Delta INV_t/A_{t-1} = a_0 + \beta_1(1/A_{t-1}) + \beta_2(\Delta S_t/A_{t-1}) + \beta_3(\Delta S_{t-1}/A_{t-1}) + \varepsilon_t$$

ΔINV_t : تغییرات در موجودی ها در دوره t.

با توجه به مدل رویچودری هزینه های کالای تولید شده برابر است با:

$$PROD_t = COGS_t + \Delta INV_t \quad \text{مدل (۴):}$$

پس با ادغام مدل (۳) و (۴) مدل تخمین هزینه های نرمال تولید عبارت است از:

مدل (۵):

$$PROD_t/A_{t-1} = a_0 + \beta_1(1/A_{t-1}) + \beta_2(S_t/A_{t-1}) + \beta_3(\Delta S_t/A_{t-1}) + (\Delta S_{t-1}/A_{t-1}) + \varepsilon_t$$

$PROD_t$: هزینه های تولید در دوره t.

مدل برآورد هزینه های اختیاری در دوره t عبارت است:

$$DISC_t/A_{t-1} = a_0 + \beta_1(1/A_{t-1}) + \beta_2(S_t/A_{t-1}) + \varepsilon_t \quad \text{مدل (۶):}$$

$DISC_t$: هزینه های اختیاری در دوره t

تحقیقات رویچودری نشان می دهد رگرسیون ارائه شده در بالا برای تخمین $DISC$ مناسب نمی باشد. برای غلبه بر این مشکل از مدلی بر حسب فروش دوره قبل جهت تخمین $DISC$ استفاده می گردد.

بنابراین برای محاسبه هزینه های اختیاری تولید از مدل (۶) استفاده می گردد.

$$DISC_t/A_{t-1} = a_0 + \beta_1(1/A_{t-1}) + \beta_2(S_{t-1}/A_{t-1}) + \varepsilon_t \quad \text{مدل (۷):}$$

برای افزایش دقت بررسی ها مدل فوق با استفاده از داده های مقطعی برای هر سال به طور جداگانه تخمین زده شده است. خروجی های حاصل از این مدل برای هر سال بطور جداگانه به دست آمده است.

متغیرهای کنترلی:

اندازه شرکت (SIZE): که برابر با لگاریتم داراییهای شرکت می باشد.

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB): تحقیقات رویچودری نشان می دهد جریان های نقدی غیر نرمال حاصل از عملیات و هزینه های تولید و هزینه های اختیاری با فرصت های رشد در ارتباط اند. نسبت ارزش بازار بر ارزش دفتری از تقسیم ارزش بازار کل سهام شرکت به حقوق صاحبان سهام محاسبه می شود.

عملکرد (PERF) : رویچودری استدلال می کند که جریان های نقدی غیر نرمال حاصل از عملیات و هزینه های تولید و هزینه های اختیاری یک خطای اندازه گیری دارد که با عملکرد شرکت همبسته است .

اهرم کنترل (LEV) : اهرم مالی شرکت نسبت ارزش دفتری کل بدهی های شرکت به کل دارایی های آن شرکت تعریف شده است

فروش به دارایی ها (TURN): این نسبت یکی از نسبت هایی می باشد که بازده شرکت در مقابل دارایی را نشان می دهد.

مدل های اصلی آزمون فرضیه ها:

برای بررسی آزمون فرضیه اول ارتباط مدیریت سود واقعی (جریانات نقدی عملیاتی نرمال) و نوع گزارش حسابرس مستقل از مدل زیر استفاده می گردد.

مدل (۸) :

$$OA = \beta_0 + \beta_1(CFO)_{i,t} + \beta_2(TURN)_{i,t} + \beta_3(size)_{i,t} + \beta_4(MTB)_{i,t} + \beta_5(PERF)_{i,t} + \beta_6(LEV)_{i,t} + \varepsilon_t$$

برای بررسی آزمون فرضیه دوم (ارتباط مدیریت سود واقعی (هزینه های تولید نرمال) و نوع گزارش حسابرس مستقل) از مدل زیر استفاده می گردد.

$$OA = \beta_0 + \beta_1(PROD)_{i,t} + \beta_2(TURN)_{i,t} + \beta_3(size)_{i,t} + \beta_4(MTB)_{i,t} + \beta_5(PERF)_{i,t} + \beta_6(LEV)_{i,t} + \varepsilon_t$$

مدل (۹) :

برای بررسی آزمون فرضیه سوم (ارتباط مدیریت سود واقعی (هزینه های اختیاری نرمال) و نوع گزارش حسابرس مستقل) از مدل زیر استفاده می گردد.

$$OA = \beta_0 + \beta_1(DISC)_{i,t} + \beta_2(TURN)_{i,t} + \beta_3(size)_{i,t} + \beta_4(MTB)_{i,t} + \beta_5(PERF)_{i,t} + \beta_6(LEV)_{i,t} + \varepsilon_t$$

مدل (۱۰) :

تجزیه و تحلیل مدل های پژوهش:

برای تجزیه و تحلیل مدل های پژوهش از مجموعه داده های ترکیبی استفاده شده است. بدین ترتیب که چند شرکت در طول زمان، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرند.

در جدول شماره (۱)، آماره توصیفی متغیرهای کمی پژوهش، شامل میانگین، میانه، حداقل، حداکثر و انحراف معیار آورده شده است. آمار توصیفی از آن جهت دارای اهمیت می باشد که نشان دهنده منطقی بودن داده های استفاده شده در تحقیق

می باشد. همانگونه که نتایج ارائه شده در جدول (۱) نشان می دهد میانگین نظر حسابرسی (AO) در شرکت نمونه برابر ۰,۴۵ می باشد که این امر نشان دهنده ی وجود حداقل یک بند شرط در گزارش حسابرسی می باشد. و متغیرهای جریان نقدی عملیاتی غیرنرمال، هزینه های اختیاری غیرنرمال، هزینه های تولید غیرنرمال (ABCFO، ABDISC، ABPROD) که به وسیله مدل های ذکر شده در بالا محاسبه، و آمار توصیفی آنها نیز محاسبه گردیده است.

جدول شماره (۱): آمار توصیفی

ABCFO	ABDISC	ABPROD	CFO	DISC	LEV	MTB	PERF	OA	PROD	SIZE	TURN	
74058.03	-100279.5	-793620.3	1039581.	288363.4	0.544818	2.580	2.639	0.456	6300657.	13.194	0.949	میانگین
-7454.273	-5267.857	-27078.73	107998.5	52633.00	0.040000	2.200	0.195	0.000	731850.5	13.905	0.78	میانه
25518139	5154143.	70353755	38922624	12268622	3.73000	14.380	282.331	1.000	376334799	19.110	6.05	حداکثر
-37898016	-7079284.	-1.17E+08	-24893942	1676.000	0.000000	-19.640	-4.46	0.000	1595	10.170	0.000	حداقل
2694313.	703317.7	10403745	3673717.	910206.7	1.347370	2.737	13.61	0.498	27908123	1.598	0.69	انحراف معیار
880	880	880	880	880	880	880	880	880	880	880	880	تعداد مشاهدات

بررسی همبستگی میان متغیرها: برایمن و کرامر (۲۰۰۱) نیز معتقدند که هم خطی چندگانه زمانی وجود دارد که همبستگی بیش از ۰/۸۰ باشد. بر این اساس متغیرهای این پژوهش با یکدیگر همبستگی معناداری ندارند و بنابراین مشکل هم خطی بین متغیرهای پژوهش به وجود نخواهد آمد.

جدول شماره (۲): همبستگی متغیرها

	OA	ABCFO	LEV	MTB	PERF	SIZE	TURN	ABDISC	ABPROD	CFO	DISC
OA	1.000										
ABCFO	0.000	1.000									
LEV	0.045	0.006	1.000								
MTB	0.062	0.031	-0.002	1.000							
PERF	0.018	-0.006	-0.016	-0.018	1.000						
SIZE	-0.118	0.036	-0.010	-0.043	-0.169	1.000					
TURN	0.094	-0.122	-0.009	0.101	-0.033	0.012	1.000				
ABDISC	0.064	0.101	0.002	-0.009	0.027	-0.345	-0.163	1.000			
ABPROD	0.024	-0.154	0.007	0.026	0.011	-0.152	-0.003	0.114	1.000		
CFO	-0.049	0.649	-0.002	0.039	-0.051	0.560	0.041	-0.388	-0.231	1.000	
DISC	-0.027	-0.060	-0.009	0.018	-0.054	0.590	0.064	0.025	-0.037	0.531	1.000

یافته های حاصل از آزمون فرضیه اول:

فرضیه اول: بین سطح عادی جریانهای نقدی عملیاتی (مدیریت واقعی سود) و نوع اظهار نظر حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۳ نتایج حاصل از فرضیه اول پژوهش را در حالتی نشان می دهد که جریانهای نقدی غیر نرمال از مدل رویچوردی برآورد شده است و متغیر وابسته نوع گزارش حسابرسی را می سنجد. به بیان دیگر جدول ۲ نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش را نشان می دهند.

جدول شماره (۳): نتایج آزمون فرضیه اول

Variable	Coefficient	Std. Error	z-Statistic	Prob.
ABCFO	0.000	0.000	0.438	0.661
LEV	0.145	0.155	0.938	0.348
MTB	0.022	0.016	1.416	0.156
PERF	0.000	0.003	0.111	0.910
SIZE	-0.094	0.027	-3.446	0.000
TURN	0.169	0.062	2.709	0.006
C	0.998	0.39966855 34999509	2.498	0.012
McFadden R-squared	0.02	Mean dependent var		0.45
S.D. dependent var	0.49	S.E. of regression		0.49
Akaike info criterion	1.36	Sum squared resid		212.24
Schwarz criterion	1.40	Log likelihood		-593.92
Hannan-Quinn criter.	1.38	Deviance		1187.85
Restr. deviance	1213.36	Restr. log likelihood		-606.68
LR statistic	25.50	Avg. log likelihood		-0.67
Prob(LR statistic)	0.00			

باتوجه به خروجی های مدل لاجیت، آماره والد محاسبه شده برای هر یک از متغیرها و سطح خطای محاسبه شده بیانگر معنی داری تعدادی از ضرایب مدل است. آماره **LR static** که همان نقش **F** در رگرسیون خطی بازی می نماید برابر ۲۵،۵۰ و معنادار بوده که خود به معنای وجود رابطه صحیحی میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل می باشد. آماره مک فادن که شبیه **R2** در رگرسیون خطی می باشد، در مدل برابر ۲ درصد می باشد. این آماره خوبی برازش مدل را اندازه گیری می کند و مقدار آن بین صفر و یک تغییر می کند. هرچه این مقدار نزدیک به یک باشد، میزان تطابق مدل با واقعیت بیشتر است، اما با توجه به اینکه اساسا **R2** می تواند برای مدل های غیرخطی، مدل های دارای متغیر وابسته تفاضلی، مدل های دارای متغیر وابسته مجازی (۱۰) که در این پژوهش از این مدلها استفاده شده است، کم باشد ولی این به معنای بدی برازش نیست. در این مدل ضرایب متغیرهای **ABCFO**، **LEV** و **PERF**، **MTB** در سطح خطای ۵ درصد معنی دار نمی باشد در حالیکه متغیرهای **SIZE** و **TURN** در سطح خطای ۵ درصد معنی دار هستند.

با توجه به اینکه **Prob ABCFO** در جدول شماره ۳ برابر با ۰,۶۶۱ می باشد، بنابراین مدیریت واقعی سود (جریان نقدی غیر نرمال) که با مدل رویچودری برآورد شده است در سطح معناداری ۹۵٪ ارتباط معناداری با نوع گزارش حسابرسی دارا نمی باشد.

آزمون هاسمر-لمشو

با توجه به جدول شماره ۴ نتیجه حاصل از آزمون هاسمر و لمشو مقدار این آماره در مدل برآورد شده دارای توزیع χ^2 با ۸ درجه آزادی و برابر با **8.393** می باشد و احتمال آن بزرگتر از ۰/۰۵ و برابر **39** درصد بدست آمده است. بنابراین فرض صفر که بیانگر نکویی برازش است، پذیرفته می شود (رد می گردد) پس متغیرهای مستقل قدرت توضیح دهنده کی اظهار نظر حسابرس را دارا می باشند.

جدول شماره (۴): نتایج آزمون هاسمر-لمشو

H-L Statistic	8.393	Prob. Chi-Sq(8)	0.396
Andrews Statistic	14.061	Prob. Chi-Sq(10)	0.170

یافته های حاصل از آزمون فرضیه دوم:

فرضیه دوم: بین سطح عادی هزینه های تولید (مدیریت واقعی سود) و نوع اظهار نظر حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول حاصل از بررسی ارتباط میان هزینه های تولید (مدیریت سود واقعی) غیرنرمال به شرح زیر می باشد

جدول شماره (۵): نتایج آزمون فرضیه دوم

Variable	Coefficient	Std. Error	z-Statistic	Prob.
ABPROD	0.000	0.000	0.154	0.877
LEV	0.235	0.261	0.90	0.366
MTB	0.037	0.026	1.399	0.161
PERF	0.000	0.005	0.105	0.915
SIZE	-0.151	0.045	-3.337	0.000
TURN	0.269	0.101	2.651	0.008
C	1.595	0.656	2.431	0.015
McFadden R-squared	0.02	Mean dependent var		0.45
S.D. dependent var	0.49	S.E. of regression		0.49
Akaike info criterion	1.36	Sum squared resid		212.26
Schwarz criterion	1.40	Log likelihood		-594.00
Hannan-Quinn criter.	1.38	Deviance		1188.01
Restr. deviance	1213.36	Restr. log likelihood		-606.68

LR statistic	25.35	Avg. log likelihood	-0.67
Prob(LR statistic)	0.00		

باتوجه به خروجی های مدل لاجیت، آماره والدمحاسبه شده برای هر یک از متغیرها و سطح خطای محاسبه شده بیانگر معنی داری تعدادی از ضرایب مدل است. آماره **LR static** برابر ۲۵,۳۵ و معنادار بوده که خود به معنای وجود رابطه صحیحی میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل می باشد. در این مدل ضرایب متغیرهای **ABPROD**، **MTB**، **LEV** و **PERF** در سطح خطای ۵ درصد معنی دار نمی باشد در حالیکه متغیرهای **SIZE** و **TURN** در سطح خطای ۵ درصد معنی دار هستند.

با توجه به اینکه **Prob ABPROD** در جدول شماره ۵ برابر با ۰,۸۷۷ می باشد، بنابراین مدیریت واقعی سود (هزینه های تولید غیر نرمال) که با مدل رویچودری برآورد شده است در سطح معناداری ۹۵٪ ارتباط معناداری با نوع گزارش حسابرسی دارا نمی باشد.

آزمون هاسمر - لمشو

با توجه به نتیجه حاصل از آزمون هاسمر و لمشو مقدار این آماره در مدل برآورد شده دارای توزیع χ^2 با ۸ درجه آزادی و برابر با 6.242 می باشد و احتمال آن بزرگتر از ۰/۰۵ و برابر ۶۲ درصد بدست آمده است. بنابراین فرض صفر که بیانگر نکویی برآزش است، پذیرفته می شود (رد نمی گردد) پس متغیرهای مستقل قدرت توضیح دهندگی اظهار نظر حسابرس را دارا می باشند.

جدول شماره (۶): نتایج آزمون هاسمر - لمشو

H-L Statistic	6.242	Prob. Chi-Sq(8)	0.620
Andrews Statistic	11.497	Prob. Chi-Sq(10)	0.320

یافته های حاصل از آزمون فرضیه سوم:

فرضیه سوم: بین سطح عادی هزینه های اختیاری (مدیریت واقعی سود) و نوع اظهار نظر حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

در این مدل متغیر **DISC** نشان دهنده هزینه های اختیاری غیر نرمال است. با توجه به اینکه متغیر وابسته دو حالت می باشد لذا از مدل لاجیت جهت تخمین استفاده می کنیم که نتایج به شرح جدول زیر می باشد.

جدول شماره (۷): نتایج آزمون فرضیه سوم

Variable	Coefficient	Std. Error	z-Statistic	Prob.
LEV	0.237	0.262	0.906	0.364
MTB	0.037	0.026	1.408	0.159
PERF	0.000	0.005	0.154	0.877
SIZE	-0.132	0.047	-2.789	0.005
TURN	0.298	0.105	2.838	0.004
ABDISC	0.000	0.000	1.347	0.177
C	1.303	0.687	1.896	0.057
McFadden R-squared	0.02	Mean dependent var		0.45
S.D. dependent var	0.49	S.E. of regression		0.49
Akaike info criterion	1.36	Sum squared resid		211.90
Schwarz criterion	1.40	Log likelihood		-593.07
Hannan-Quinn criter.	1.37	Deviance		1186.15
Restr. deviance	1213.36	Restr. log likelihood		-606.68
LR statistic	27.21	Avg. log likelihood		-0.67
Prob(LR statistic)	0.00			

آماره **LR static** برابر ۲۷,۲۱ و معنادار بوده که خود به معنای وجود رابطه صحیحی میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل می‌باشد. در این مدل ضرایب متغیرهای **LEV**, **PERF**, **ABDISC** و **MTB** در سطح خطای ۵ درصد معنی دار نمی‌باشد در حالیکه متغیرهای **TURN**, **SIZE** در سطح خطای ۵ درصد معنی دار هستند.

با توجه به اینکه **Prob ABDISC** در جدول شماره ۷ برابر با ۰,۱۷۷ تخمین زده شده است بنابراین مدیریت واقعی سود (هزینه های اختیاری غیر نرمال) که با مدل رویچودری برآورد شده است در سطح معناداری ۹۵٪ ارتباط معناداری با نوع گزارش حسابرسی دارا نمی‌باشد.

آزمون هاسمر - لمشو

با توجه به نتیجه حاصل از آزمون هاسمر و لمشو مقدار این آماره در مدل برآورد شده دارای توزیع χ^2 با ۸ درجه آزادی و برابر با **11.555** می‌باشد فرض صفر این آزمون در سطح خطای ۱ درصد پذیرفته می‌شود. بنابراین فرض صفر که بیان گر نکویی برازش است، پذیرفته می‌شود (رد نمی‌گردد) پس متغیرهای مستقل قدرت توضیح دهندگی اظهار نظر حسابرس را دارا می‌باشند.

جدول شماره (۸): نتایج آزمون هاسمر - لمشو

H-L Statistic	11.5563	Prob. Chi-Sq(8)	0.1721
Andrews Statistic	12.1178	Prob. Chi-Sq(10)	0.2773

نتیجه گیری:

در این پژوهش رابطه گزارش حسابرس با شاخصه های مدیریت سود واقعی در شرکت های پذیرفته شده ی بورس اوراق بهادار تهران، برای ۵ سال مورد آزمون قرار گرفت. این پژوهش از آن جهت دارای اهمیت است که تحقیقات اندکی در مورد مدیریت واقعی سود و نوع ارتباط آن با گزارش حسابرسی انجام گردیده و عمده تحقیقات به بررسی مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی می پردازد. به طور کلی شواهد پژوهش حاکی از آن است که هیچ گونه رابطه معناداری بین نوع گزارش حسابرسی و مدیریت واقعی سود (جریانان نقدی عملیاتی غیرنرمال، هزینه های تولید غیرنرمال و هزینه های اختیاری غیرنرمال) وجود ندارد. بر خلاف مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی حسابداری، مدیریت سود واقعی که از طریق تصمیمات عملیاتی مدیریت، (زمانبندی این تصمیمات، نحوه ی تخصیص منابع و انتخاب برخی پروژه ها برای سرمایه گذاری) اقدام به مدیریت سود می نمایند؛ توسط حسابرسان به سختی کشف می شود. دلیل این امر را می توان رعایت نمودن استانداردهای حسابداری توسط واحد تجاری در مدیریت واقعی سود دانست؛ ولی با توجه به توضیحات در مبنای نظری پژوهش، مدیریت سود واقعی می تواند اثرات منفی در روند آتی واحد اقتصادی اعمال نماید و با کاهش جریانان نقدی آتی می تواند منجر به کاهش عملکرد عملیاتی بلند مدت و لطمه های جبران ناپذیری به واحد تجاری گردد.

پیشنهادات:

باتوجه به این که می دانیم نوع گزارش حسابرس در رفتار مخاطبین، اثرگذار است و اگر گزارش حسابرسی اثربخش نباشد ممکن است منجر به واکنش اشتباه مخاطب بشود؛ لیکن به دستگاه های نظارت بر کیفیت کار موسسات حسابرسی، همچون جامعه حسابداران رسمی، پیشنهاد می گردد که بر روی شاخص های مدیریت سود، نظارت بیشتری اعمال کنند تا در سایه ی ایفای نقش اعتباردهی حسابرسی برای اعمال محدودیت بر مدیریت سود گامی برداشته شود. و به استفاده کنندگان از صورت های مالی که به رقم سود به عنوان تنها رقم در تصمیم گیری اقتصادی اتکا می کنند توصیه می شود؛ از سایر معیارها برای این منظور استفاده نمایند تا بهترین تصمیم را در جهت پیشبرد درست اهداف خود اتخاذ نمایند.

منابع:

- ۱- انصاری، عبدالمهدی؛ دری سده، مصطفی؛ نرگسی، مسعود، بررسی تاثیر دستکاری فعالیتهای واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران، ۱۳۹۲
- ۲- ابراهیمی کردلر علی و سید عزیز سیدی (۱۳۸۷)، نقش حسابرسان مستقل در کاهش ارقام تعهدی اختیاری، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۴، ص ۱۶-۳

۳- بنی مهد، بهمن (۱۳۹۰) " بررسی عوامل تأثیرگذار بر اظهار نظر مقبول حسابرس " فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۳۱
 ۴- بهارمقدم، مهدی؛ حسنی فرد، حبیبه، بررسی رابطه بین رویدادهای مالی واقعی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته
 شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶-
 ۱۶۰

۵- خسروی چرمی، بهروز، (۱۳۸۵) "بررسی عوامل موثر بر نوع اظهار نظر حسابرس در ایران". تهران، پایان نامه کارشناسی
 ارشد حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی.

۶- رحمانی، علی، حسابرسان و مدیریت سود، حسابرس، ۱۳۸۹، شماره ۴۹، ص ۱۰۴-۱۱۱.

۷- نوروش، ایرج؛ سپاسی، سحر؛ نیک بخت، محمدرضا، بررسی مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران،
 مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۳۸۴ دوره بیست و دوم، شماره دوم (ویژه نامه حسابداری)

۸- ولی زاده لاریجانی، زهرا. ۱۳۸۷. نتایج مدیریت واقعی سود، پایان نامه ی ارشد حسابداری، دانشکده ی علوم
 اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهراء.

9-Baber, W., P. Fairfield, and J. Haggard. (1991). The effect of concern about reported income on discretionary spending decisions: The case of research and development. *The Accounting Review* 66(4): 818-829

10-Beasley, S. M, Carcello, J. V., & Hermanson, D. R. (1999). *Fraudulent financial reporting: 1987-1997: an analysis of US public companies, Research Report, COSO*

11-Bar-Gill, O., and L. Bebchuk. (2003). *Misreporting corporate governance. Working paper. Harvard University.*

12-Barton, J. and P. Simko. (2002). *The balance sheet as an earnings management constraint. The Accounting Review* 77: 127

13-Chena ching – lung, Gili Yenb and Fu- Husing Chang (2009) *Strategic auditor switch and financial distress prediction- empirical findings from the TSE – listed firms, Applied financial Economics* 19,:59-72

14-Chen, k ., & church ,B. (1992)*Default on debt obligations and the issuance of going concern opinions . Auditing: A journal of practice and theory: 30-49*

15-Cohen D.A.,Zarowin P(2008) .”*Accrual-Based and Real Earnings management Activit around seasoned Equity offerings*” .working paper .

16-Colorado Gunny, k. (2005). *What Are the Consequences of Real Earnings Management? Working paper, University of Colorado.*

17-gunny, k. (2005), *what are the consequences of real earning management? Working paper, university of California.,*

18-Dechow, P.M. and Skinner, D.J. (2000) *Earnings management: Reconciling the views of accounting academics, practitioners, and regulators. Accounting Horizons* 14 (June): 235-250

19-Healy, P.,and J wahlen.(1999). “*A Review of the Earnings management literature and its implications for standard setting*”. *Accounting hlorizons* , vol.17 :365-383

- 20-Leggett, D., Parsons, L. and A. Reitenga. (2009). "Real Earnings Management and Subsequent Operating Performance". working paper
- 21-Lopo Martinez, A (2010) ,"Audit Firm Rotation and Earnings Management in Brazil. " FUCAPE Business School .
- 22-Li, X (2010) . "Real Earning management and Subsequent stock Returns" . working peper
- 23-McVay S. E(2006). Earnings management using classification shifting, an examination of core earnings and special items. *The accounting Review* 81 (3): 501-531
- 24-Roychowdhury, S. (2008) Earnings management through real activities manipulation. *Journal of accounting and Economics*.
- 25-Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics* 42: 335 -370
- 26-Sanjaya, P.S. and Saragih, M.F,(2012). The Effect of Real Activities Manipulation on Accrual Earnings Management: The Case in Indonesia Stock Exchange (IDX). *Journal of Modern Accounting and Auditing* , Vol. 8, 9: 1291-1300
- 27-Saw. Imm, S(2009) ," Information Asymmetry and Earnings Management. " Faculty of Economic and Business
- 28-Schipper, K. (1989). Commentary on earnings management. *Accounting Horizon* 3: 91102
- 29-Sun,jerry and Lan, George. (2014). Independent audit committee characteristics and real earnings management. *Managerial Auditing quality. Journal*. Vol.29. 2.: 153-172
- 30-Scott. W.R.t(2003).financial accounting theory, , third (2) edition (Canada:Prentice-Hall)
- 31-Thomas, J. K., and H. Zhang. (2002). Inventory changes and future returns. *Review of Accounting Studies* 7: 163-187.